



سهم یک میلیاردی تخت جمشید از ۱۲ میلیارد

صاحبزیرانی در حوزه باستان‌شناسی و میراث فرهنگی مدعی شدند از ۱۲ میلیارد تومان درآمد کنسرتی که اخیراً در تخت جمشید برگزار شده، قرار است حدود یک میلیارد تومان عاید این میراث جهانی شود. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت این مسئله در نشست مطرح شد که صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های برگزاری رویدادهای فرهنگی در بناهای تاریخی و محوطه‌های باستانی» برگزار کرد. کامیار عبدی، باستان‌شناس فارغ‌التحصیل از دانشگاه میشیگان و عضو هیئت‌علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی که در تخت جمشید نیز فعالیت باستان‌شناسی داشته است در بخشی از این نشست گفت: «از ۱۲ میلیارد تومانی که گفته شده درآمد این کنسرت بوده، اگر هزینه‌ها را کم کنند، حداقل ۵۰ درصد آن باید به تخت جمشید تعلق بگیرد و صرف حفاظت از این محوطه باستانی شود.» او همچنین اشاره کرد آن یک میلیارد هم که می‌گویید کمک می‌کنید، پیشکش! چرا که تخت جمشید به صدقه‌نیز ندارد.



کشتار ۱۱۳ روزنامه‌نگار طی روز ۲۹۸

اعضای جامعه بین‌المللی روزنامه‌نگاران خواستار توقف کشتار روزنامه‌نگاران و هرگونه تهدید علیه پوشش رسانه‌ای بمباران‌های اسرائیل در غزه و لبنان و پایان هرگونه تشدید خشونت در منطقه شده‌اند. روز گذشته بیش از ۲۴۰۰ روزنامه‌نگار و شخصیت رسانه‌ای با امضای بیانیه‌ای اعلام کردند که از آغاز جنگ غزه روزنامه‌نگاران مرگبارترین دوران حرفه‌ای خود را در ۲۰ سال گذشته یعنی از زمانی که «کمیته محافظت از روزنامه‌نگاران» داده‌های مربوطه را جمع‌آوری کرده، گذرانده‌اند. از ۸ دسامبر، حداقل ۶۳ روزنامه‌نگار کشته شده‌اند: ۵۶ نفر در غزه، ۴ نفر در اسرائیل و ۳ نفر در لبنان. این یعنی به‌طور میانگین روزانه یک روزنامه‌نگار کشته شده است. طبق این بیانیه روزنامه‌نگاران فلسطینی در بحبوحه ویرانی و خون‌ریزی مسئولیت حرفه‌ای خود را اجرا می‌کنند. آنها در معرض وحشی قرار دارند که برای جهان پنهان مانده است. این بیانیه در پایان یادآور شده است که حمله به غیرنظامیان از جمله روزنامه‌نگاران نقض قوانین بین‌المللی است.



مدال طلای المپیک بازیگر «بازی تاج و تخت»

دنیل ویفن ایرلندی که سال‌ها پیش در یکی از قسمت‌های تاریخی سریال «بازی تاج و تخت» نقش آفرینی کرده بود، مدال طلای شای المپیک را کسب کرد. خبرآنلاین ضمن اعلام این خبر نوشت، ویفن با کسب مدال طلای شای ۸۰۰ متر آزاد المپیک به اولین ایرلندی برنده طلا در این رشته ورزشی تبدیل شد. ویفن ۲۳ ساله در مراهی پایانی اوج گرفت و در نهایت از بابی فینکه آمریکایی، نفر دوم و گرگوریو پالترینی ایتالیایی، نفر سوم، پیشی گرفت. او همچنین توانست با زمان ۷:۳۸.۱۹ رکورد المپیک را بشکند و رکورد میخائیلو رومانچوک در توکیو را پشت‌سر بگذارد. او در اپیزود «عروسی خونین» از سریال «بازی تاج و تخت» حضور داشت. بته، خواهر بزرگتر دنیل ویفن و برادر دولویش، در «بازی تاج و تخت» نقش یکی از نوه‌های والدر فری را بازی می‌کرد. دنیل در «بازی تاج و تخت» قهرمان داستان نبود، اما در استخر پاریس، ثابت کرد که ورزشکاری برجسته است.



دموکراسی بدیل بهتری ندارد

گزارشی از سخنرانی‌های احمد زیدآبادی و امیرحسین خدایپرست درباره دموکراسی / بخش اول



نازین بقای خبرنگار فرهنگ

«مدرسه تردید» مدرسه‌ای مجازی است با محوریت آموزش فلسفه، ترویج سنجش‌گرانه اندیشی و پرورش مهارت فلسفی اندیشیدن در دیگر حوزه‌های تخصصی. پنجم مردادماه ۱۴۰۳، به مناسبت دوسالگی تأسیس «مدرسه تردید» رویدادی با موضوع «تأملاتی در باب دموکراسی» با حضور احمد زیدآبادی، دکتری علوم سیاسی و تحلیلگر مسائل سیاسی، کاوه بهیانی، مترجم و پژوهشگر فلسفه معاصر و امیرحسین خدایپرست، عضو هیئت‌علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و محسن آزموده، روزنامه‌نگار حوزه اندیشه برگزار شد. در روزنامه امروز گزارشی از سخنرانی‌های احمد زیدآبادی و امیرحسین خدایپرست تقدیم خوانندگان خواهد شد و در روزنامه فردا سخنرانی کاوه بهیانی منتشر خواهد شد.

ذهنیت دموکراتیک، رفتار غیر دموکراتیک



احمد زیدآبادی دکتری علوم سیاسی و تحلیلگر

ذهن بشر تقریباً از زمان شکل‌گیری فلسفه درگیر دموکراسی بوده است. فلسفه را می‌توان به منطق و فلسفه‌ی اولی، فلسفه‌ی شناخت، فلسفه‌ی سیاست و فلسفه‌ی اخلاق تقسیم کرد. نقطه‌ی آغاز فلسفه‌ی سیاست تعریفی است که از این‌گونه دویا یعنی انسان می‌شود. تمام تقسیم‌بندی‌ها و مباحثی که در رابطه با نوع حکومت برای انسان شده است ریشه در تعریف از انسان دارد؛ اینکه انسان چیست؟ آیا ماهیت و طبیعتی دارد؟ اگر بله، چیست و چگونه ساخته می‌شود و تحت‌تأثیر چه عواملی از جمله تربیتی، محیطی یا ژنتیکی است؟ بشر هیچ‌گاه نتوانست در پاسخ بدین پرسش‌ها به اجماع برسد. سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است آیا انسان باید موجودی اندیشمند باشد؟ اندیشه، مقوله‌ی درس‌ساز است؛ چرا که حالتی دیالکتیکی دارد. به تعبیر فلاسفه یونان، هر مفهومی که ساخته شود و انسان در عمق آن فرو رود به ضدش می‌رسد و از آن ضد به سنتز که آن سنتز خود آنتی‌تری می‌آفریند. این مسئله اسقاط‌در حوزه‌ی تفکر عنوان کرده بود و بعدتر مارکس و انگلس آن را به حوزه‌ی طبیعت سرایت دادند و ستم‌بزرگی به دیالکتیک وارد آوردند؛ خصوصاً زمانی که با ماتریالیسم نیز آن را پیوند دادند. در اوایل انقلاب به دلیل نسبت دیالکتیک با ماتریالیسم نوعی حساسیت نسبت به این کلمه ایجاد شده بود و اگر کسی آن را به کار می‌برد، ملحد پنداشته می‌شد؛ در حالی که ماهیت تفکر، دیالکتیکی است، به این معنا که باید در عمق مفاهیم رویم و به تعارضی برسیم و در مرحله‌ی دیگر این تعارض را حل کنیم. این امری است که سقراط و سقراطیان انجام می‌دادند.

به این ترتیب، اولاً اندیشه از این جهت که انسان از دیگران تقلید نکند، با آنکه به نظرات دیگران زندگی نکند و بنابر آنچه خود تعقل می‌کند، زندگی کند، بار بسیار سنگینی است. ثانیاً اندیشه روندی دارد که سبب می‌شود فرد ممتاز، از دیگران جدا و سپس تنها شود که این امر نیز بار عظیمی بر شانه‌های انسان قرار می‌دهد. با همین دیدگاه اگر به دموکراسی نیز بنگریم درمی‌یابیم که دموکراسی نیز

برخلاف وضعیت قدسی‌ای که برایش ساخته‌اند، دارای جنبه‌ی سیاسی است. دموکراسی در ذاتش تناقضاتی دارد که در برخی از مواقع خود را نشان می‌دهد و اگر این تناقضات شناخته نشوند، برایشان راه حلی اندیشیده نشود و فریب صورت‌ها خورده شود، جامعه‌ی ایران همچنان گرفتاری ۱۵۰ ساله‌ی خود در باب دموکراسی را خواهد داشت؛ اگر چه ما در این ۱۵۰ سال نه دموکراسی را می‌شناختیم، نه واقعاً در پی‌اش بودیم. افرادی که در تاریخ ایران در پی دموکراسی بودند هیچ‌کدام از مولفه‌های فکری و رفتاری آن را رعایت نمی‌کردند، آنان نیز به دنبال نادیده‌انگاری، حذف و توهین به دیگران بوده‌اند. اساس دموکراسی مبتنی بر مدارا، سازش، توافق و اجماع است.

نقد یونانیان باستان به دموکراسی

حکمای معروف یونان از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو به دلیل تجربه‌ای که از دموکراسی در یونان وجود داشت، دشمن دموکراسی بودند و آن را سیستمی درس‌ساز و بی‌مصرف می‌دانستند. در یونان کهن، مشخصاً در آتن و برخی از دولت‌شهرهای متحدش، نظامی دموکراتیک حاکم بود. نظام دموکراتیک در آنجا به این صورت بود که دو نهاد اجرایی و قضایی وجود داشت که شهروندان آزاد مسئولیت آن‌ها را برعهده می‌گرفتند. شهروندان آزاد فردی بود که مرد باشد و زن نباشد، آزاد باشد و برده نباشد، یونانی باشد و بیگانه نباشد. این افراد شهروند بودند و حقوق یکسانی داشتند. تصدیق مناصب در دو نهاد اجرایی و قضایی صرفاً توسط شهروندان آزاد امکان‌پذیر بود که این امر نه از طریق رأی‌گیری، بلکه توسط قرعه‌کشی صورت می‌گرفت. سقراط و افلاطون به این شیوه نقد داشتند. به عقیده‌ی آن‌ها زمانی که تمام کارها در این جهان تخصصی است، حوزه‌ی سیاست و حکمرانی هم که امری پیچیده و مستلزم تخصص بالاست، باید توسط افراد متخصص اداره شود. همین نظام دموکراتیک در نهایت سقراط را محاکمه و محکوم به اعدام کرد. در جامعه‌ی جدید دموکراسی نه از طریق قرعه‌کشی، بلکه از راه انتخابات برگزار می‌شود؛ با این حال انتخاب‌کنندگان بر اساس خیر عمومی صورت نمی‌گیرد، بلکه به واسطه‌ی خیر شخصی انجام می‌شود.

سقراط و افلاطون عوارض دموکراسی را عوام‌فریبانه بودن می‌دانستند. مثال مشهور این امر در ایران آقای احمدی‌نژاد است. ایشان اگر کاندیدا می‌شدند بی‌تردید چند ده میلیون رأی می‌آوردند. این امر به دلیل سرفرایی است که به شهرستان‌ها داشتند. افرادی که به ایشان رأی خواهند داد که با پیچیدگی‌های سیاست یا مفهوم سیاست به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی خیر عمومی آشنایی ندارند و بیگانه‌اند. دلیل رأی دادن به ایشان چیست؟ دوره‌ای وام‌هایی داده، دست‌افزار برای دست‌اندازی به طبیعت باز گذاشته و سلسله‌منافع خصوصی را بیشتر از سایرین تأمین کرده است. فاشیسم هیتلر نیز از دل دموکراسی برآمده است. هیتلر توسط رأی عموم انتخاب شد و زمانی که به‌رأس قدرت رسید تمام نهادهای دموکراتیک را منحل و هر عملی که خواست، انجام داد.

بدیل‌های توتوکراتیک و اقتدارگرایانه دموکراسی

دموکراسی نردبانی است که از طریق آن افراد به‌صورتی مسالمت‌آمیز می‌توانند به‌رأس قدرت برسند، سپس به همین وسیله‌ی مسالمت‌آمیز نیز قابل‌برکناری باشند. اگر کسی از این طریق به قدرت برسد، سپس نردبان را از بین ببرد، افرادی که در قدرت

نیستند و به‌اصطلاح پایین‌نشسته‌اند نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. این مسئله تا به حال بارها به‌ویژه در تاریخ معاصر ایران بعد از انقلاب رخ داده و سبب درمسر شده است. برای مثال، اوایل انقلاب در این رابطه مشاجره‌هایی میان اعضای شورای انقلاب شکل گرفته بود. عده‌ای می‌گفتند، باید فعلاً مجلس موسساتی تشکیل شود و همه‌چیز به رأی عمومی گذاشته شود تا نهادی شکل بگیرد. تعدادی از روحانیون که از شرایط جامعه و نوع تمایلات مردم آگاه بودند مخالفت کردند و گفتند اگر مجلس موسساتی شکل بگیرد، مردم در بیشتر شهرها کسانی را برمی‌گزینند که درکی از سیاست جدید حکمرانی ندارند و اگر آنها روی کار بیایند قانون اساسی‌ای صدها برابر عقب‌مانده‌تر از دوران مشروطه می‌نویسند. این مسئله در اوایل انقلاب بحثی جدی بود، اما صرفاً در مراکز بسته و در محیط بیرون بازتاب زیادی نیافت. این موارد از پیچیدگی‌ها و تناقضات دموکراسی هستند که برای غربی‌ها قابل‌نادیده‌انگاری نیست، دائماً در تاریخ راجع به آن‌ها بحث شده است و ما در ایران کمتر به آن‌ها توجه کرده‌ایم.

باین حال اگر بنا باشد دموکراسی به‌دلیل تناقضاتش از جمله اینکه عوام‌فریبانه است و ممکن است منجر به به‌قدرت رسیدن فردی مانند هیتلر شود، نفی شود، آلت‌رناتیوی برای آن وجود ندارد. دو نوع حکومت دیگر یعنی توتوکراسی و اقتدارگرا نیز وجود دارد. در توتوکراسی بحث بر سر این است که خدا باید حاکم را تعیین کند. به این دلیل که خدا خود مستقیماً با مردم صحبت نمی‌کند، افرادی از جانب او فردی را برای حکومت تعیین می‌کنند. اگر کسی به این مسئله اعتقادی نداشته باشد از طریق اعمال خشونت ملزم به تن‌دادن می‌شود که این نیز حکومتی دیکتاتوری و اقتدارگرا محسوب می‌شود. به این ترتیب به‌رغم تمام آن اشکالاتی که یونانی‌ها به دموکراسی وارد کردند و تناقضاتی که دموکراسی دارد، صورت دیگری به‌عنوان بدیل دموکراسی وجود ندارد. به گفته‌ی پوپر نهایتاً دموکراسی با تمامی معایبش بهترین صورت حکمرانی است که در تاریخ ظهور کرده و عوارض از دیگر انواع، کمتر بوده است. به این ترتیب، حتی افلاطونی که با دموکراسی دشمنی داشت در نهایت حکومتی را به‌عنوان معینه‌ی فاضله معرفی کرد که زندگی در چنین بهتری از آن است؛ چرا که تمام حساسیت آن جامعه حفظ ثبات بود و همین خاطر تمامی تنوعات و ذوق‌های زندگی را ممنوع کرد. ارسطو به‌دلیل دیدگاه وسط‌گرا و عملگر بودنش نگاه متوازن‌تری نسبت به دموکراسی داشت، اما او نیز دموکراسی را در دسته‌ی حکومت‌های بد قرار می‌داد و طرفدار آریستوکراسی و اشرافیت بود و به این پرسش که اگر روزی مردم اشرافیت را برای حکمرانی نخواستند چه باید بکنند؟ هیچ‌گاه پاسخی نداد.

نسبی‌اندیشی سیاسی از دموکراسی است

دموکراسی چند اصل دارد، نخستین اصل آن فراهم کردن زمینه‌ی رشد و دومین اصل سلسله‌ رفتار و مبانی مخصوص به خود است. بر طبق اولین و مهم‌ترین اصل، دموکراسی زمینه‌ی رشد و تعالی انسان را از طریق به‌لحاظ فلسفی درگیر کردن اذهان فراهم می‌کند. اگر فرد دیگری تصمیم‌گیرنده باشند، مردم ذهن خودشان را درگیر فکر کردن نمی‌کنند و در وضعیت تن‌آسایی ذهنی به‌سر خواهند برد، اما زمانی که دموکراسی حاکم باشد به‌دلیل آنکه صحنه‌ی انتخاب تک‌تک افراد است، مردم در ابتدا فکرشان را برای نفع شخصی به‌کار می‌اندازند و پس از آن روند تدام‌پیدا می‌کند و